

بررسی پیامدهای طرح یکپارچه سازی اراضی بر توسعه پایدار  
روستایی

**Investigation of the impacts of land consolidation on  
rural sustainable development**

کیومرث زرافشانی<sup>۱\*</sup>، رضوان قمبرعلی<sup>۲</sup>، فرحناز رستمی<sup>۳</sup>، نسیم افشارزاده<sup>۴</sup>، خدیجه  
مرادی<sup>۵</sup>، شهپر گراوندی<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار، دانشگاه رازی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی،

<sup>۳</sup>استادیار، دانشگاه رازی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی،

<sup>۴</sup>و <sup>۵</sup>دانشجویان دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه رازی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی،

E-mail: Rezvagh20007@yahoo.com

\* نویسنده مسئول

## خلاصه

کوچکی واحدهای بهره برداری و پراکندگی قطعات آن، همواره یکی از مهم ترین چالش های ساختاری نظام بهره برداری کشورمان بوده که آینده توسعه کشاورزی را با تهدید جدی مواجه ساخته است. طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی از جمله راهکارهایی است که می تواند تا حد زیادی این چالش را مرتفع سازد. سیاستگذاران بخش کشاورزی طبیعتاً به منظور بهره برداری بهینه از عوامل تولید و دستیابی به هدف ها توسعه، یکپارچه سازی اراضی را توصیه می کنند، اما آیا این چنین طرح ها تنها دارای پیامدهای مثبت هستند؟ آیا پیامدهای این طرح ها در جهت توسعه پایدار می باشد یا ناپایدار؟ لذا هدف از تحقیق حاضر، بررسی پیامدهای طرح یکپارچه سازی اراضی بر توسعه پایدار روستایی می باشد. به همین منظور با استفاده از روش کیفی تئوری بنیانی سه روستای جلوگیره سفلی، صفی آباد و سراب شله به عنوان روستاهای تحت پوشش طرح، مورد بررسی قرار گرفتند. روش نمونه گیری با توجه به طبیعت تحقیق کیفی از نوع هدفمند انتخاب شد و داده های مورد نیاز با استفاده از تکنیک های: درخت مشکل، ماتریس رتبه بندی، گروه متمرکز و مصاحبه انفرادی جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل داده ها نیز از طریق کدگذاری انجام پذیرفت. یافته های حاصل نشان داد این طرح با پیامدهای منفی نظیر کاهش عملکرد زمین های زراعی؛ افزایش اجاره بهاء زمین؛ افزایش مشکلات اقتصادی کشاورزان کم زمین؛ از بین رفتن زهکش سنتی روستا و ایجاد آب گرفتگی در روستا؛ از بین رفتن رودخانه طبیعی و در نتیجه آب گرفتگی مزارع؛ از بین رفتن مرز طبیعی روستاها و ایجاد درگیری میان روستاییان؛ خاکبرداری بیش از حد و آهکی شدن زمین؛ غرقابی شدن زمین ها در برخی از نواحی؛ آلودگی آب کانال ها و خشک شدن محصولات جالیزی و.... همراه می باشد که توسعه پایدار روستایی را تهدید می نماید.

واژه های کلیدی: یکپارچه سازی اراضی، توسعه پایدار، تئوری بنیانی، دشت میان دربند

## Abstract

Small scale of units and fragmented land parcels, always one of the most important structural challenges of the farming system of our country. Future of agricultural development is facing a serious threat. Consolidation plan is solution that can be largely overcome these challenges. Naturally, agricultural policy makers in order to optimize utilization of production factors and to achieve development goals, have recommended the integration of land. But such plans do have only positive consequences? The outcomes of this project tend to sustainable or un sustainable? The aim of this study, was to examine the impacts of consolidation plan on rural sustainable development. Therefore, using Grounded Theory qualitative method three villages, Jologire Sofla, Safi Abad and Sarab Shaleh as the villages covered by the plan, were studied. Research samples were selected using purposeful sampling method. Data were collected by using: tree problem, matrix ranking, focus groups and individual interviews. Data analysis is also done through coding. Findings showed that the plan accompanied by negative consequences such as: Reduction of land yield, increase the rent of land, increase land-poor farmers' economic problems, The disappearance of traditional drainage and flooded

villages in rural, Loss of natural rivers and in flooded fields, Loss of a natural boundary between the villages and villagers clash, Excessive excavation of earth and lime, Flooding in some areas of the Earth, Pollution of channels water, Drying of kitchen garden products and ....

Key Words: Keywords: Land consolidation, Sustainable development, Grounded Theory, Mian darband plain

## مقدمه

ضرورت توجه به بخش کشاورزی و رشد و توسعه همه جانبه آن موجب اجرای طرح های عمران روستایی در سطحی گسترده شده است. یکی از مهم ترین طرح های کاربردی که در این زمینه به اجرا درآمده طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی است. این طرح با هدف استفاده بهینه از منابع آب، خاک، نهاده ها و در نهایت توسعه کشاورزی تدوین شده است. هدف ها فوق به خوبی نمایانگر اهمیت این گونه طرح ها در توسعه کشاورزی است، علیرغم این اهمیت تاکنون پژوهشی در زمینه آسیب شناسی طرح یکپارچه سازی اراضی کشور صورت نگرفته است. در حالیکه این مطالعات بی شک می تواند در راستای جلوگیری از تکرار اشتباهات پرهزینه ی پیشین مورد بهره برداری قرار گیرد. به بیانی دیگر، چنین پژوهش هایی می تواند در شناسایی نقاط ضعف موجود، بازنگری و ارتقاء کمی و کیفی طرح های فوق موثر واقع شده و زمینه ساز موفقیت های آتی گردد. مطالعه کیفی حاضر در همین راستا و با هدف کلی بررسی پیامدهای طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی دشت میان دربند شهرستان کرمانشاه بر توسعه پایدار روستایی به اجرا درآمد. طرح مذکور از جمله طرح هایی است که با هدف ساماندهی قریب به ۸۰۰۰ هکتار از اراضی دشت میان دربند شهرستان کرمانشاه در دو ناحیه عمرانی D3 و D4 از سال ۱۳۸۴ آغاز شده است. در حال حاضر، واحد D4 این پروژه در سطح ۱۳ روستا به پایان رسیده و پروژه واحد D3 نیز از سال ۱۳۸۸ آغاز و با پیشرفت ۵۰٪ در قالب یک دوره سه ساله در حال اجرا می باشد.

## مرور ادبیات تحقیق

پراکندگی اراضی یکی از معضلات بخش کشاورزی و یکی از موانع اصلی توسعه روستایی محسوب می شود. در مقابل از یکپارچگی اراضی به عنوان یکی از عوامل عمده ی دگرگونی در بخش مذکور یاد می شود. مطالعات انجام شده در بلغارستان نشان می دهد پراکندگی اراضی، مانع اصلی استفاده از تکنولوژی نوین و بکارگیری روشهای جدید

تکنولوژی بوده و کارایی عوامل تولید را کاهش می دهد (تودوروا و لیچوا، ۲۰۰۵). یکپارچه سازی اراضی به عنوان فرایندی از اصلاحات ارضی شناخته می شود که با تغییر در ساخت فضایی اراضی زراعی از طریق اصلاح مدیریت مزرعه، ضمن تحرک بخشی به اقتصاد روستایی، تحرک در ساختار نواحی روستایی و توسعه روستایی را تسهیل می کند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸ به نقل از افتخاری). یکپارچه سازی اراضی عبارت است از به هم پیوستن اراضی پراکنده زارعان یک روستا بدون ایجاد تغییر در میزان مالکیت و فرایندی از اصلاحات ارضی که در آن، تغییر پراکندگی زراعی با شکل جدید بهره برداری در یک مکان و یا در چند مکان صورت می گیرد. طرح یکپارچه سازی اراضی روستایی دربرگیرنده سازمان دهی از طریق بهبود مدیریت آب و زهکشی، حفاظت خاک و آب، و توسعه صنایع، بهسازی مزارع و ساختمان های روستایی است (امیرنژاد و رفیعی، ۱۳۸۸). سیاستگذاران بخش کشاورزی طبیعتاً به منظور بهره برداری اپتیمم از عوامل تولید و دستیابی به هدف های نظیر آنچه پیشتر آمد یکپارچه سازی را توصیه می کنند، اما آیا این چنین طرح ها تنها متضمن پیامدهای مثبت است؟

فرایند یکپارچه سازی در کشورهای صنعتی و توسعه یافته ای همچون کانادا، ژاپن و آمریکا نیز در راستای توسعه صنعتی مدنظر قرار گرفت، تا جایی که در آمریکا از سال ۱۹۴۰ به بعد یکپارچه نمودن اراضی و تبدیل واحد بهره بردار کوچک به زمینهای بزرگ و مکانیزه به صورت یک سیاست عمومی در آمد. در ایران، تلاش در جهت جلوگیری و رفع معضل پراکندگی اراضی به سال های پایانی اصلاحات ارضی در قبل از انقلاب برمی گردد. در آن مقطع تشکیل واحدهای بهره برداری حقوقی، همچون شرکت های سهامی زراعی، کشت و صنعت ها و شرکت های تعاونی تولید به عنوان راه حلی برای کاهش آثار منفی تقسیم شدن اراضی و جلوگیری از تقطیع بیشتر واحدهای بهره برداری در دستور کار قرار گرفت. این الگوها اگرچه در نهایت به دلیل مشکلات عمدتاً اجتماعی نتوانستند به هدف ها از پیش تعیین شده خود دست یابند ولی ایده یکپارچه سازی اراضی فراموش نشد و کماکان بعد از انقلاب نیز ادامه یافت، به طوریکه با تصویب لایحه واگذاری اراضی مصوب شورای انقلاب

به وسیله هیأت هفت نفره این تفکر دوباره به صورت جدی دنبال شد و امروزه نیز کوشش سیاست گذاران بخش کشاورزی در راستای تشویق کشاورزان به تشکیل تعاونی های بزرگ تولید ادامه دارد (احمدی، ۱۳۸۵).

در مجموع پیامدهای مثبت یکپارچه سازی از نظر اقتصادی و اجتماعی با آثاری مثل افزایش بهره وری مزرعه، افزایش روحیه ی تعاون، کاهش اختلافات قبیله ای و کاهش هزینه ی فرصت های از دست رفته شناخته شده است. اما در کنار چنین مسائلی، تجارب یکپارچه سازی در بعضی موارد شاهد جنبه های منفی نیز بوده است. در کنار موافقان یکپارچه سازی افرادی با توجه به جنبه های منفی یکپارچه سازی مسائلی مثل آسیب های زیست-محیطی، شامل آسیب های وارد آمده به چشم انداز های روستایی را بیان می کنند و بررسی پیامدها ی یکپارچه سازی را ضروری می دانند. تجارب کشور های غرب اروپا و هم چنین اسلوانی نشان می دهد که یکپارچه سازی اراضی منحصراً به افزایش بهره وری بدون در نظر گرفتن جنبه های زیست بوم شناختی تمرکز کرده است و به سادگی منجر به پیامدهای منفی شده است. در واقع تجربه غرب اروپا نشان می دهد که یکپارچه سازی بدون در نظر گرفتن جنبه های فرهنگی و بوم شناختی در نهایت منجر به از دست رفتن تنوع طبیعت، فرسایش خاک و تخریب محیط زیست می شود (پینتار، لیسک، ۲۰۰۵). به طور مثال در آلمان یکپارچه سازی حدود ۱۸ درصد فضای پرندگان، ۱۷ درصد پروانه ها و بالغ بر ۱۰۰ فضای گیاهی از چشم انداز های کشاورزی را نابود کرده است (پینتار، لیسک، ۲۰۰۵). در بعضی کشورها، شامل اعضای اتحادیه اروپا، یکپارچه سازی مشکلات جدی را همچون آلودگی خاک، آب و هوا و کاهش تعداد حیوانات و گیاهان وحشی رادر پی داشته است. همچنین یکپارچه سازی نامناسب به عنوان یکی از دلایل اصلی کاهش تنوع زیستی، فرسایش بادی، آبی و پایین آمدن ذخیره آب شناخته شده است (لیس و همکاران، ۲۰۰۵). آهنگر کلایی و همکاران (۱۳۸۵) با استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل چند معیاره، عوامل مؤثر بر اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی روستای گلی در شهرستان جویبار استان مازندران را مورد بررسی قرار داده و می نویسند: اصلی ترین عوامل محدودکننده اجرای این طرح، به ترتیب اولویت شامل عامل

فرهنگی (سطح سواد، باورهای سنتی)، عامل اجتماعی (مالکیت)، عامل فنی و اجرایی (تحويل به موقع اراضی یکپارچه شده، ساخت کانال ها، راه ها، زهکش ها)، و عامل اقتصادی (کاهش هزینه تولید و افزایش درآمد) در جامعه کشاورزی می باشد. از این رو است که به عقیده اسکلتیکا (۲۰۰۶) در تدوین هدف ها و اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی باید به شرایط و ویژگی های سیاسی، اجتماعی منطقه مورد نظر توجه کافی معطوف گردد. وی بر این باور است که عدم توجه به این موارد می تواند سبب آسیب پذیری و پیامدهای منفی در برنامه یکپارچه سازی اراضی شود. شوای و همکاران (۲۰۱۰) نیز مسئله فوق را مورد توجه قرار داده معتقدند: به منظور به حداقل رساندن آسیب های ناشی از طرح های یکپارچه سازی اراضی، باید این گونه برنامه ها با شرایط اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی روستاییان سازگاری داشته باشد؛ در غیر این صورت، اجرای این گونه طرح ها می تواند پیامدهای جبران ناپذیری برای مردم روستایی به همراه داشته باشد. تجارب یکپارچه سازی در کشورهای اروپای شرقی نشان می دهد اگرچه رهیافت های جدید از طریق وضع قانون و کمک های خارجی موجب بهبود راهبردهای ساماندهی اراضی پراکنده شده است، اما به دلیل داشتن بینش محدود نسبت به مفهوم پراکندگی اراضی و پیامدهای آن، موفقیت چندانی کسب نکرده اند؛ در این رهیافت ها فقط به مفهوم فیزیکی پراکندگی توجه شده و از سایر ابعاد آن یعنی مسایل اجتماعی و مالکیت، غفلت شده است. به زعم این محققان، فقدان نهادها و زیرساخت های لازم برای بهبود خدمات رسانی مکمل اراضی پس از یکپارچه سازی، از جمله چالش های پیش روی این طرح هاست (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴).

گارسیا (۲۰۰۷) نیز معتقد است، افزایش آگاهی کشاورزان در خصوص پیامدهای اقتصادی و اجتماعی یکپارچه سازی اراضی، انتقال اطلاعات مفید از مروجان به کشاورزان و برنامه های حمایتی دولت مانع از بروز آسیب های ناشی از طرح های یکپارچه سازی اراضی کشاورزی در اسپانیا شده است. ظرفیت های اندک نهادی، فنی و اجرایی برای حمایت از نظام جدید مدیریت زمین، از جمله محدودیت های ساماندهی اراضی یکپارچه محسوب می شود که در آلبانی گزارش شده است. نتایج این پروژه نشان می دهد کشاورزان آلبانی تبار تمایل چندانی

به یکپارچه نمودن اراضی خود ندارند؛ ناامنی در مالکیت اراضی و پرداخت غرامت های ناعادلانه در معاوضه زمین از جمله عواملی بوده است که عدم تمایل این کشاورزان را به دنبال داشته است (ویلر و روشاج، ۱۹۹۹). بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی پیامدهای طرح یکپارچه سازی اراضی بر توسعه پایدار روستایی در بخش میان دربند شهرستان کرمانشاه می باشد تا بدین وسیله بتوان از تکرار چنین آسیب هایی در پروژه های آتی، جلوگیری نمود.

### روش شناسی تحقیق

مطالعه کیفی حاضر با هدف کلی آسیب شناسی طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی دشت میان دربند شهرستان کرمانشاه در فاصله زمانی آبان تا دی ماه ۱۳۸۹ انجام پذیرفت. به منظور دستیابی به اهداف مذکور، سه روستای تحت پوشش طرح شامل؛ جلوگیری سفلی، صفی آباد و سراب شله با استفاده از روش تئوری بنیانی مورد بررسی قرار گرفت. تئوری بنیانی یک روش پژوهشی - اکتشافی است و به پژوهشگر امکان می دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد به جای استفاده از تئوری های از پیش تعریف شده، خود به تدوین یک تئوری جدید اقدام کند (منصوریان، ۱۳۸۶). جامعه تحقیق شامل کشاورزان روستاهای مورد بررسی بود. مطالعه با نمونه گیری هدفمند آغاز و با نمونه گیری نظری ادامه یافت. جمع آوری و تحلیل داده ها به صورت همزمان انجام شد. گردآوری داده ها از طریق مصاحبه-ی انفرادی (عمیق) با هفت نفر از کشاورزان، تشکیل ۴ گروه متمرکز هشت و نه نفره، یادداشت برداری، اجرای تکنیک های PRA نظیر نقشه کشی، درخت مشکل و ماتریس رتبه بندی انجام شد. مصاحبه ها با سؤالات کلی و ساده شروع و به سمت سؤالات جزئی تر پیش رفت. هر مصاحبه حدوداً ۶۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. تمام مصاحبه ها ضبط و دست نویس شد و به تأیید مشارکت کنندگان رسید. در نهایت داده-های مذکور در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد؛ کدگذاری باز شامل فرایند بررسی و مفهوم سازی داده هاست. در این مرحله جملات در برگیرنده آسیب های طرح استخراج و مفاهیم مشابه با یک کد مشترک در قالب ۳۹ مفهوم کدبندی شد. در



کدگذاری محوری، طبقات گسترده و زیرطبقه ها تشکیل و در نهایت از طریق مقایسه مداوم آنها، طبقه محوری انجام گردید. سرانجام در کدگذاری انتخابی، مجدداً ویژگی ها و ترکیب طبقات، همچنین رابطه بین طبقه ها مورد بررسی قرار گرفت تا از صحت تحلیل اطمینان حاصل شود. در پایان آسیب های طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی دشت میان دربند شهرستان کرمانشاه، بر اساس یافته های تحقیق استخراج شد.

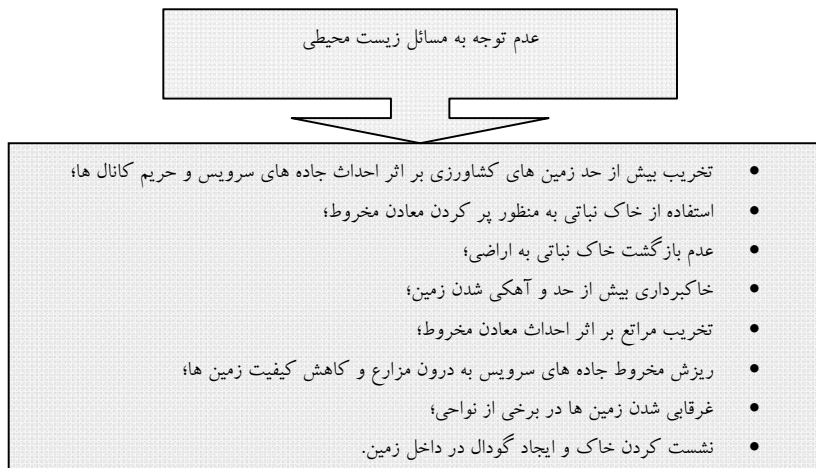
## نتایج و بحث

### ۱.۳. آسیب شناسی طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی دشت میان دربند شهرستان کرمانشاه از نگاه کشاورزان

حداکثر بررسی انبوهی از داده های گردآوری شده از روستاهای تحت مطالعه نشان داد آسیب های طرح یکپارچه سازی دهستان میان دربند در قالب ۴ طبقه مفهومی شامل آسیب های زیست محیطی، آسیب های اقتصادی، آسیب های اجتماعی و آسیب های مربوط به زیر ساخت های سنتی روستاها، قابل دسته بندی است. در بخش بعدی یافته ها نشان داد که ضعف دیدگاه کل نگر در طرح، عدم مشارکت کشاورزان، ضعف نیروی انسانی متخصص، عدم پایبندی مسئولین به تعهدات خود از جمله دلایل بروز پیامدهای منفی طرح یکپارچه سازی در سطح روستاها می باشند. همان گونه که در بخش پیشین آمد در مرحله کدگذاری انتخابی محور اصلی شناسایی و تعیین گردید. به عبارتی ضمن تمرکز بر فرایندی که در داده ها نهفته بود، تیم تحقیق توجه خود را به این امر معطوف نمود که مقوله یا محوری را تشخیص دهد که بیش از همه در داده ها تکرار شده و قادر است سایر مقوله ها را به یکدیگر ارتباط دهد. در این میان "عدم مشارکت کشاورزان" مقوله اصلی تشخیص داده شد که بطور مستقیم و غیر مستقیم سایر مقوله ها را تحت تأثیر خود قرار می داد. به هر جهت طرح مذکور از نگاه کشاورزان روستاهای مورد مطالعه آسیب هایی به شرح ذیل ایجاد نموده است که به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد:

### ۱.۱.۳. آسیب های زیست محیطی

یکی از مهمترین پیامدهایی که از سوی کشاورزان روستاهای مورد مطالعه بارها عنوان شد عدم توجه به مسائل زیست محیطی بود (شکل شماره ۱).



شکل (۱): عدم توجه به مسائل زیست محیطی به ویژه آسیب به خاک زارعی

در این زمینه یکی از کشاورزان روستای جلوگیره سفلی، چنین می گوید :

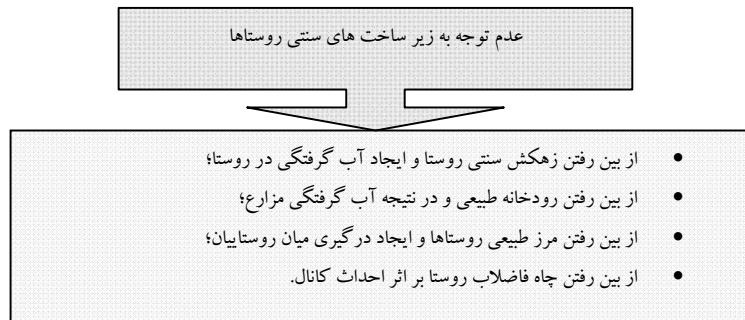
"باندهایی که برای تردد ماشین آلات کشاورزی در اطراف کانال ها زده شده، دو بانده است، انگار که می خواستند سر زمین های ما اتوبان بزنند. زمین های زیادی را خراب کردند. تازه از مخروط های کوهی برای ساختن این باندها استفاده شده که وقتی باران می آید این مخروط ها وارد اراضی حاشیه باند شده و موجب کاهش کیفیت خاک می شود. از همه مهم تر هنگام تسطیح خاک زنده را برداشتند. اصلاً خاک زمین هایمان عوض شده و خاک به خاک شده ایم. از دور که نگاه میکنی کاملاً مشخصه که زمین نسبه و آهکی شده."

کشاورز دیگری از روستای صفی آباد نیز به این مشکل اشاره کرده می گوید:

"خاک نباتی به زمین ها برگردانده نشد. در بعضی قسمت ها آنقدر خاکبرداری شده که به سنگ گچ و آهک رسیده."

### ۲.۱.۳. آسیب به زیر ساخت های سنتی روستا

به نظر می رسد در اجرای طرح مذکور، زیر ساخت های سنتی روستا نادیده گرفته شده است (شکل شماره ۲).



شکل (۲): آسیب عدم توجه به زیر ساخت های سنتی روستا در طرح

در تأیید این امر یکی از کشاورزان روستای جلوگیره سفلی می گوید:  
"مسئله خیلی مهم دیگه ای که بعد از آمدن آب وحشتناک است، نداشتن زهکش است. قبلاً خود روستا زهکش سنتی داشت. اما با اجرای این طرح، زهکش قبلی هم از بین رفت. حالا اگر آب بیاید یا آب باران زیاد باشد، ممکنست روستا دچار سیل و آب گرفتگی شود. همین مشکل، الان سبب غرقابی شدن زمین هایمان شده، وقتی وارد زمین می شویم در بعضی قسمت ها آب وارد چکمه هایمان می شود."  
کشاورزی دیگر از روستای سراب شله ضمن اشاره به این آسیب، پیامدهای اجتماعی آنرا نیز مورد توجه قرار می دهد:

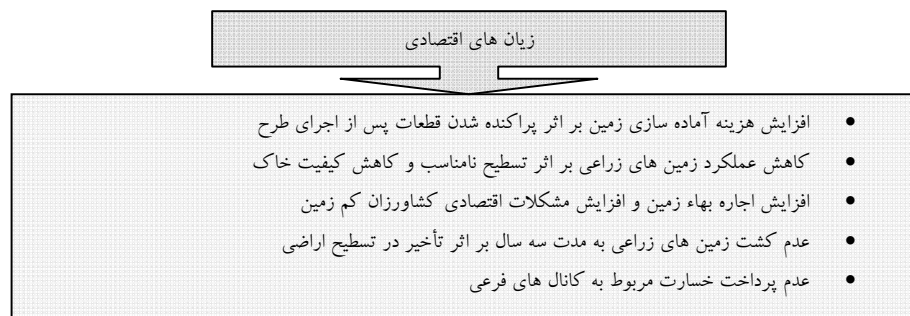
"اختلاف ما با روستای جلوگیره زیاد شده چون در طی اجرای این طرح مرز طبیعی بین دو روستا از بین رفته. الان مرز بین دو روستا شده یه سنگ یا یه چوب. من می توانم آن را جلو ببرم و دیگری آن را عقب بیاره".

کشاورزی از روستای صفی آباد اضافه می کند:

"قبلاً فاضلاب روستا به داخل یک گودال هدایت شده بود و در خارج از روستا جمع می شد، اما بعد از ساخت کانال اصلی، این گودال از بین رفت و فاضلاب در کنار کانال تجمع پیدا کرده و منبع آلودگی شده، قرار بود آن را درست کنند اما انجامش ندادند."

### ۳.۱.۳. آسیب های اقتصادی

این آسیب که خود پیامد طبیعی سایر آسیب ها نظیر تخریب ساختار خاک و... به شمار می آید موجبات نارضایتی برخی کشاورزان نسبت به پروژه را فراهم آورده است.



شکل (۳): زیان های اقتصادی

در این زمینه کشاورزی از روستای جلوگیره می گوید:

"تعداد قطعاتم نسبت به قبل از طرح بیشتر شده. هر کدام یه گوشه افتادن. نمی توانم بهشان

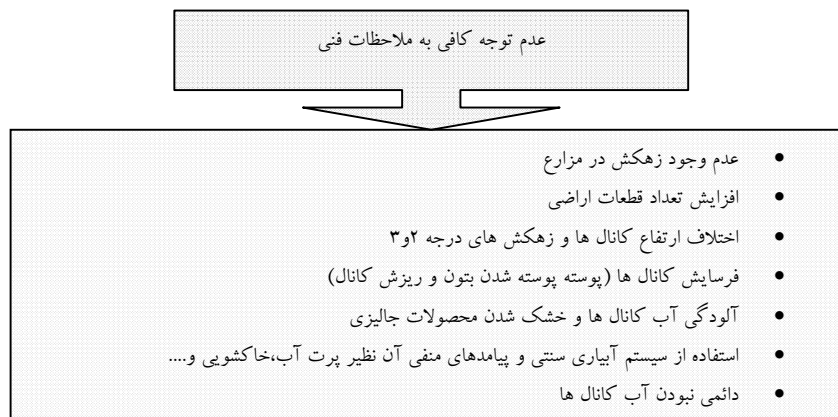
برسم. خرجم زیاد شده. برا شخم، برا همه چیز."

روستائیان صفی آباد می گویند:

" خاکمان داغان شده، زمینامان دیگه مثل قبل نیستن .این همه زحمت می کشیم به اندازه ی  
یه زمین دیمم در نمیاریم."  
کشاورزی از روستای سراب شله:  
"قیمت اجاره اینقد بالا رفته که ماندم چه بکنم، تمام زمینی که دارم یک هکتار و نیمه .قبلاً  
می تانستم یه چند هکتاری اجاره بکنم حالا ...."

### ۴.۱.۳. آسیب های فنی

آنچه به عنوان یکی از مهمترین مشکلات پروژه باعث نارضایتی بسیاری از کشاورزان شده  
بود عدم توجه کافی به ملاحظات فنی است. شکل (شماره ۷) نمایانگر برخی از مسائل ایجاد  
شده در اثر این بی ملاحظه گری است.



در این زمینه کشاورزان روستای سراب شله می گویند:  
"با آب کانال که هندوانه و خربزه هایمان را آبیاری کردیم همه خشک شدند، ولی بقیه که  
از آب چاه استفاده می کردن محصولا نشان سالم بود"  
کشاورزان جلوگیری نیز چنین می گویند:  
«هنوز هیچی نشده دیواره ی بتونی کانال ها ریخته.دست که میزنی قشنگ کنده می شه».

## نتیجه گیری

مطالعه کیفی حاضر نشان می دهد طرح تجهیز و نوسازی دهستان میان دربند با انواعی از آسیب ها و پیامدهای منفی را به دنبال دارد. آسیب هایی که بسیاری از آنها نتیجه کم توجهی به مقوله ای واحد و در عین حال اساسی است. مقوله ای که به عنوان فرآیندی توانمندساز و یکی از شاخصهای توسعه یافتگی، سالهاست در ادبیات توسعه مورد توجه جدی بسیاری صاحب نظران قرار گرفته، مشارکت است. امری که ویو و همکاران (۲۰۰۵) تا اندازه ای آن را پر اهمیت می دانند که می نویسند: دستیابی به موفقیت در این گونه طرح ها بدون مشارکت مردم روستایی امری غیر ممکن است.

به گفته مسئولین پروژه تعامل با کشاورزان در سه جلسه آغازین پیش از اجرای طرح انجام پذیرفته است. سوالی که می توان مطرح کرد اینکه آیا برای اجرای پروژه ای چنین عظیم و موثر در کار و زندگی مردم منطقه سه نشست کافی است؟ آیا حتی اگر به چنین شیوه ای و به قیمت فراموشی هدف های توسعه انسانی، هدف ها اقتصادی پروژه محقق گردد جای خوشحالی است؟ آیا صحبت از پایداری و مردم محور بودن آن که روز بروز با صدایی رساتر مطرح می شود صرفاً به خاطر ژست های روشنفکرانه است یا تجارب پیشین با قاطعیت نشان داده که از راه های فرعی نمی توان به توسعه دست یافت. توسعه از میان مردم می گذرد و به مردم ختم می شود.

آنچه آشکار است اینکه چنانچه از نگاه جفی (۱۹۹۸) به سطح مشارکت در این طرح بنگریم باید اینگونه بنویسیم: مشارکت در چنین سطحی، یعنی مشارکت منفعل، پایین ترین سطح مشارکت به شمار آمده و لازمه تعاملات اثربخش آن است که این سطح حداقل تا مشارکت تعاملی ارتقا یابد. نا گفته پیداست که امروزه دیگر نگاه های از بالا به پایین رویکرد آزمون پس داده ای است که قابلیتش را به خوبی آشکار کرده است. از همین

روست که بزرگانی نظیر چمبرز (۱۹۸۹) شرط اول موفقیت طرح های توسعه را مشارکت فعال بهره برداران می دانند و در دهه های ۱۹۹۰ توسعه گران را دعوت به نقش تسهیلگری کرده می گویند: «چوب را به دست آنان (بهره برداران) بدهید» و یا اگر راضی به این کار نمی شوید حداقل یک سر چوب را بدست بگیرید (چمبرز، ۲۰۰۹). نامداران توسعه مشارکت بهره برداران را در کلیه مراحل تحقیقات، تصمیم سازی، اجرا و حتی ارزشیابی ضروری می دانند. اگر چنین بود مثلاً در طرح مزبور شاهد آسیب عدم توجه به زیر ساخت های سنتی روستاها نبودیم. آسیبی که گویا خاص این طرح نبوده و کلاتتری و همکاران (۱۳۸۴)، اسکلتیکا (۲۰۰۶) و شوای و همکاران (۲۰۱۰) نیز آن را مورد توجه قرار داده اند. چنانچه مشارکت و تعاملی سازنده بین مردم و دست اندرکاران حاکم بود، دیگر نه مسؤلان بیرونی به حساب می آمدند که وقتشان به تعبیر خودشان صرف «مچ گیری» شود و نه کشاورز سعی در زدن آنها و ایجاد مشکلات پی در پی داشت. کوتاه سخن آنکه رویکردی که می تواند در مسیر دستیابی به هدف ها متعالی توسعه و از آن جمله طرح های تجهیز در دستور کار قرار گیرد توسعه مشارکتی است. رویکردی که کانون و مرکز ثقل آن توانمندی است. فرایندی که امکان تمرین تصمیم گیری، تخصیص منابع، مدیریت و نظارت را توسط مردم محلی فراهم می آورد. اضافه بر آن فرصت سوز نیست. به عبارتی فرصت استفاده از دانش و تجربه مردم و مقامات محلی را که در context (زمینه ی واقعی) حضور دارند را از بین نمی برد. در نهایت آنچه قابل ذکر است اینکه: چنانچه مایل به تکرار چند باره ی خطاهای پیشین در پروژه های آتی نیستیم، چنانچه راضی به هدر رفت انواع سرمایه های کشور نمی شویم، نتایج این پژوهش و پژوهش های مشابه را مورد توجه جدی قرار داده و بایدها و نبایدهای فردا را امروز ببینیم. اصلی ترین نتیجه این پژوهش که عمل به آن به همه دست اندرکاران طرح های تجهیز توصیه می شود چنین ساده اما راهگشاست.

«نگاه مردم سالارانه را جایگزین نگاه فن سالارانه کرده به بهره برداران اجازه دهیم در طرح های یکپارچه سازی مشارکت فعال داشته باشند. که غایت توسعه با مردم، برای مردم و به دست مردم است.»

### پیشنهاد ها

- برای تدوین برنامه ای جهت ساماندهی و یکپارچه سازی اراضی پراکنده باید نخست تمام جوانب کار را دقیقاً سنجید و مسئله را از جنبه های مختلف فنی-اقتصادی-اجتماعی مطالعه کرد؛
- با توجه به شکست رهیافت هایی که نسبت به پراکندگی و کوچکی اراضی کشاورزی، دیدی محدود داشتند و فقط ابعاد فیزیکی آن را مدنظر قرار داده بودند، ضروری است با نگرشی نظامند، تمام جنبه های پراکندگی اراضی کشاورزی در برنامه ریزی و سیاست گذاری توسعه کشاورزی اقدام شود؛
- تعامل بیشتر با مردم محلی به منظور از بین بردن بد فهمی ها، استفاده از دانش زمان آزموده ی بومی آنها و ایجاد اعتماد متقابل بین مردم و مسئولین؛
- هماهنگ کردن نهادهای اجرایی مرتبط با طرح نظیر: آب منطقه ای، محیط زیست و جهاد کشاورزی از طریق مدیریتی واحد؛
- پرداخت تسهیلات به بهره برداران به منظور ایجاد امکان عمل به توصیه های فنی نظیر کود سبز؛
- توجه به داده های فاز مطالعاتی به منظور جلوگیری از ایجاد مشکلات فنی در فاز اجرا،
- قربانی نکردن ملاحظات فنی بدلیل مسائل سیاسی؛
- برگزاری کلاس های آموزشی جهت توجیه کشاورزان قبل و در هنگام اجرای طرح، به منظور جلوگیری از اقداماتی نظیر تغییر شیب توسط آنان.



## منابع

۱. ابراهیمی، محمد صادق. کلانتری، خلیل. اسدی، علی (۱۳۹۰). تحلیل اثرات اجرای طرح تجهیز و نوسازی اراضی شالیزاری استان گیلان از دیدگاه شالیکاران. مجموعه مقالات دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۲. احمدی، ع و امینی، الف، م. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تقاضای اجرای طرح های یکپارچه سازی زمین های کشاورزی از دیدگاه کارشناسان شهرستان کرمانشاه و منطقه لنجان اصفهان". فصلنامه علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، علوم آب و خاک. ۱۱ (۴۲): ۲۹۶-۲۸۳.
۳. ادیب حاج باقری، م. پرویزی، س. و صلصالی، م. (۱۳۸۹). روش های تحقیق کیفی، انتشارات بشری، چاپ دوم.
۴. پاپ زن، ع. (۱۳۹۰). جزوه درس روش تحقیق دانشجویان دکتری توسعه کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی.
۵. جمشیدی، ع. تیموری، م. حاضری، م. روستا، ک. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی استان ایلام: مطالعه موردی شهرستان شیروان و چرداول. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱، بهار، صفحات ۱۲۷-۱۰.
۶. کلانتری، خ، حسینی، س. م و عبدالله زاده، غ. (۱۳۸۴). ساماندهی و یکپارچه سازی اراضی کشاورزی با استفاده از تجارب کشورهای اروپای شرقی. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۱ (۳): ۱۰۳-۶۷.
۷. کین، رابرت. (۱۳۸۱). تحقیق موردی. ترجمه ی علی پارساییان، سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ دوم.
8. Cay, T., Ayden, T. & Iscan, F. 2010. Effects of different land reallocation models on the success of land consolidation projects: Social and economic approaches. *Journal of Land Use Policy*. 27: 262- 269.
9. Cay, T. & Iscan, F. 2011. Fuzzy expert system for land reallocation in land consolidation. *Journal of Expert Systems with Applications*. 38: 11055-11071.
10. Crecente, R., Alvarez, C. & Fra, U. 2002. Economic, social and environmental impact of land consolidation in Galicia. *Journal of Land Use Policy*. 19: 135- 147.
11. Chambers, R, 2005. Ideas for development Robert chambers". *erthscan.london.sterling, va*.
12. Chambers, R, 2009. farmer first revisited. Practical action publishing.
13. Gonzalez Garcia, I. (2007). Land consolidation in Spain: The land registry perspective. *Effective and sustainable land management. A permanent*

- challenge for each society UNECE WPLA Workshop Munich, Germany, May 24th-25th, 2007: 1-4 .
14. Jafee, D. 1998. Levels of socio-economic development theory.praeger.west port. Connecticut London.
  15. Shuai, Y., Chao-Fu, W., Xin-Yue, Y. & You-Jin, L. 2010. “The ecological compensation of land consolidation and its evaluation in Hilly area of southwest China”. Journal of Energy Procedia. 5: 1192- 1199.
  16. Sklenicka, P. 2006. Applying evaluation criteria for the land consolidation effect to three contrasting study areas in the Czech Republic. Journal of Land Use Policy. 23: 502- 510.
  17. Thapa, H. B. & Niroula, G. S. 2008. Alternative options of land consolidation in the mountains of Nepal: An analysis based on stakeholders’ opinions. Journal of land use policy. 25: 338- 350.
  18. Todorova, S, A. D, Licheva. 2005. Economic and social effect of land fragment in Bulgarian agriculture. Journal Central European agriculture, Pp: 555- 562.
  19. Wu, Z., Liu, M. & Davis, J. 2005. Land consolidation and productivity in Chinese household crop production. China Economic Review 16: 28-49
  20. Wheeler, R. & Lushaj, S. 1999, Albania Land Consolidation Report. Report prepared for the World Bank. Washington, D.C.: World Bank.
  21. Vitikainen, A. 2004, An overview of land consolidation in Europe. Nordic Journal of Surveying Real Estate Research. 1(3): 124-136.